

بررسی رابطه نگرش مالی، سواد مالی و مشارکت مالی با میانجی‌گری خودکارآمدی مالی در حرفه حسابداری و حسابرسی

زهرا یگانه^۱، سمیرا زارعی^{۲*}

۱-دانش‌آموخته کارشناسی ارشد، گروه حسابداری، دانشکده علوم انسانی، واحد تهران غرب، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران

۲-استادیار و هیئت‌علمی، گروه حسابداری، دانشکده علوم انسانی، واحد تهران غرب، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران

Zarei.s.90@gmail.com

چکیده

محققین در طول سی سال گذشته، معیارهای عینی و ذهنی گوناگونی برای توصیف شرایط مالی خانوار و افراد را آزمون کرده‌اند و دریافته‌اند که بهبود رفاه مالی، حاصل تقویت دانش، نگرش، تمایل و رفتار مالی می‌باشد. بر همین اساس در این پژوهش به بررسی رابطه نگرش مالی، سواد مالی و مشارکت مالی با میانجی‌گری خودکارآمدی مالی در حرفه حسابداری و حسابرسی پرداخته شده است. روش پژوهش حاضر توصیفی-پیمایشی می‌باشد. در این پژوهش تعداد ۳۸۵ نفر برای نمونه؛ از بین حساب‌برسان، حسابداران و نخبگان و اساتید حسابداری در سال‌های ۱۳۹۶ و ۱۳۹۷ در نظر گرفته شد. داده‌های موردنظر از طریق پرسشنامه جمع‌آوری گردیده و از نرم‌افزار آماری SPSS22 و AMOS21TM برای تحلیل متغیرها و آزمون فرضیات پژوهش استفاده شد. یافته‌ها نشان می‌دهد که بین نگرش مالی و سواد مالی با مشارکت مالی ارتباط معناداری وجود نداشته، ولی باین وجود، شاخص خودکارآمدی مالی با نقش واسطه‌ای بین سواد مالی و مشارکت مالی رابطه‌ای مثبت ایجاد می‌نماید. **کلیدواژه:** نگرش مالی، سواد مالی، مشارکت مالی، خودکارآمدی مالی.

۱-مقدمه

ناتوانی افراد در دسترسی به خدمات مالی رسمی به‌صورت داوطلبانه یا غیرداوطلبانه به‌عنوان مانع کلیدی برای توسعه اجتماعی - اقتصادی و اقتصادهای در حال رشد می‌باشد (دمیرگوک - کانت و کلاپر، ۲۰۱۲؛ آردیک و همکاران، ۲۰۱۱، جانسون و نینو-زارازوا، ۲۰۱۱؛ سونکو، ۲۰۱۰). باوجود تعداد زیاد کارهای نظری و تجربی، که رابطه مثبت قوی بین رشد اقتصادی و توسعه مالی را مستند می‌سازند، کلامارا و همکاران (۲۰۱۴)؛ دمیرگوچ - کانت و کلاپر (۲۰۱۲)؛ کومار و موهانتی (۲۰۱۱) اشاره کردند که به‌منظور دستیابی به درک بهتر این زمینه، باید به فراتر از این رابطه نگرست و بیان نمودند که چندین عامل غیرمالی بر این رابطه تأثیر می‌گذارند. در گزارش اخیر، تلاش‌های رو به رشدی در جهت تجزیه و تحلیل نیازهای بالقوه مصرف‌کننده به‌عنوان نقطه شروع برای توسعه محصول وجود دارد. «..... درک عمیق‌تر نیازها، رفتار و ترجیحات افراد کم‌درآمد، ارائه و کاربرد مناسب‌تر و مسئولانه‌تر خدمات مالی را تضمین خواهد کرد. (CGAP، ۲۰۱۳b).

مشارکت مالی که گسترشی هدفمند برای دستیابی و استفاده از محصولات مالی و خدمات مالی مانند پس‌اندازها، اعتبار، بیمه، سایر پرداخت‌ها و انتقال پول به تعداد وسیعی از افراد در یک استراتژی مداخله‌ای می‌باشد، به دنبال غلبه بر نوع بازار است که بازار را از عملیات به نفع افراد ضعیف و فقیر منع می‌کند (آدودا و کالوندا، ۲۰۱۲). منطق اصلی اقتصادی در افزایش مشارکت مالی، تضمین این قضیه است که گروه‌هایی با فراهم کردن مسیرهای ایمن و کارآمد برای پس‌انداز، اعتبار، بیمه و انتقال پول به بخشی از سیستم بانکداری معرفی شوند (بانک اوگاندا، ۲۰۱۳). به‌علاوه مشارکت مالی به جلوگیری از بازارهای مالی رسمی استثمارگر با هزینه افراد آسیب پذیر، فقیر و بی‌سواد جلوگیری می‌کند. پاند و بورگس (۲۰۰۵) استدلال کردند که در سطح خرد، شعبه‌ها اغلب در مکان‌های دورافتاده روستایی به طور قابل توجهی فقر روستایی را از طریق افزایش پس‌اندازها و توزیع وام‌ها توسط بانک‌ها کاهش دادند تا شاید رفاه آن‌ها را از طریق فرایند تخصیص منابع بهبود بخشند. همین‌طور در سطح خرد افزایش راه‌های ارائه خدمات مالی به سطح پایین‌تر

^۱ Consultative Group to Assist the Poor